

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال سوم - شماره اول - بهار ۸۹ - شماره پی‌درپی ۷

انعکاس عاشورا، یکی از خصیصه‌های شعر دفاع مقدس

(ص ۶۱ تا ۷۷)

نجمه نظری^۱ (نویسنده مسئول)، صغری سادات جعفرنیا^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۶

تاریخ پذیرش قطعی: ۸۹/۳/۲۸

چکیده:

حادثه عاشورا دارای ابعاد گوناگون‌نست که حماسه، یکی از برجسته‌ترین ارکان آن را تشکیل می‌دهد. در طول زمان، شرایط اجتماعی، سیاسی و تاریخی بر چگونگی نگرش شاعران بحادثه عاشورا تأثیرگذار بوده است.

وقوع انقلاب اسلامی و بفاصله اندکی از آن، جنگ تحمیلی، از جمله عواملی بود که فصلی جدید در تاریخ ادبیات فارسی بنام «شعر انقلاب» گشود که از درونمایه‌های اصلی آن میتوان به «شعر جنگ» اشاره کرد. شعر جنگ، سرشار از روح حماسه و دلاوریست و مضامین برگرفته از واقعه عاشورا سهم قابل توجهی در تقویت این روح حماسی دارد.

سازش نکردن با ستمگر، ترجیح مرگ با عزت بر زندگی با ذلت، استقامت در راه خدا تا پای جان و... از جمله جلوه‌های حماسی عاشوراست که در شعر دفاع مقدس، بازتاب یافته است.

حماسه آفرینی یاران امام حسین(ع) و حضرت زینب(س) نیز از دیگر مضامین مطرح شده در شعر دفاع مقدس است. با بررسی جلوه‌های حماسی عاشورا در شعر دفاع مقدس و مقایسه آن با شعر پیش از جنگ، میتوان گفت این نگاه حماسی بواقعه عاشورا با این حجم و گستردگی در ادبیات فارسی بی‌نظیر و یا حداقل کم‌نظیر بوده است.

کلمات کلیدی:

حماسه، عاشورا، دفاع مقدس، شعر فارسی

۱- آستادیار دانشگاه بوعلی سینا همدان. Nazari.najme@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی. soghraajafarniya@yahoo.com

مقدمه :

ادبیات پایداری در ایران، با وقوع جنگ تحمیلی، رنگ و رونق چشمگیری یافت و یکی از نتایج آن، پیدایش «شعر جنگ» بود که بخشی از تاریخ ادبیات معاصر ما را تشکیل میدهد و مانند بخشهای دیگر این حوزه شایسته مطالعه و بررسی است. شعر جنگ، از لحاظ فرم و محتوا دارای ویژگیهای مخصوص بخود است که «حضور ابعاد گوناگون فرهنگ عاشورا» یکی از این ویژگیهاست.

قیام عاشورا بعنوان الگویی ارزشمند و کامل، از ابتدا پشتوانه فکری انقلاب اسلامی بود. جنگ هشت ساله ایران با عراق، مشابهتهای بسیاری با نبرد حق و باطل در کارزار کربلا داشت که این دو حادثه را از جهات متعدد بهم پیوند میدهد. همچنان که عرصه‌های مختلف جنگ، متأثر از حادثه عاشورا بود، شعر جنگ نیز از آبخور این فرهنگ غنی سیراب میشد و لحظات ناب شاعرانه‌ای را برای شاعران این دوره از ادبیات ایران، خلق میکرد. از سوی دیگر، ضرورت دفاع از میهن، ایستادگی بر سر آرمانها، حفاظت از انقلابی نوپا که با هدف احیای اسلام شکل گرفته بود به‌مراه مجموعه‌ای از عوامل دیگر باعث برجسته شدن «ابعاد حماسی عاشورا» شده بود. حماسه عاشورا که تا پیش از انقلاب عمدتاً بعنوان یک سوگ بزرگ به آن نگریسته میشد، در سروده‌های شاعران دفاع مقدس بعنوان یک حماسه مطرح شد که این نگاه حماسی به عاشورا، در تاریخچه شعر عاشورایی فصل تازه‌ای گشود. در این تحقیق، ابتدا با استفاده از منابع معتبر تاریخی بخشهایی از حماسه عاشورا بیان گردیده و سپس از سروده‌های شاعران دفاع مقدس، نمونه‌هایی بعنوان شاهد برای آن ذکر شده است.

حماسه؛ صفحه سفید عاشورا:

موضوع شهادت اباعبدالله الحسین(ع)، عاشورا و کربلا حادثه‌ایست که در طول زمان، همیشه با یک نگاه نگریسته نشده و شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقلیمی موجب شده در دوره‌های گوناگون یک یا چند جنبه از آن بیشتر مورد توجه قرارگیرد. «از مجموعه عوامل مؤثر در نگرش به عاشورا، شرایط سیاسی حاکم بر جوامع تأثیر چشمگیرتری داشته است. یعنی بروز و ظهور یا خاموشی و خمول این واقعه و نماد و نموده‌های آن بسته به شرایط سیاسی و حاکمان جوامع و اعصار مختلف بوده است»، (حسن لی و کافی، ۱۳۸۶: ۳۲).

انعکاس عاشورا، یکی از خصیصه‌های شعر دفاع مقدس / ۶۳

«اصولاً کربلا بر چهار رکن و پایه‌ی اساسی استوار است: «سوگ»، «حماسه»، «پیام» و «شیفتگی» (حب) که در ادب گذشته‌ی فارسی عمدتاً به بعد «سوگ» پرداخته‌اند»، (سنگری، ۱۳۸۰: ۳۲). شهید مطهری «حماسه» را صفحه‌ی سفید عاشورا مینامد و در این باره میگوید: «از یک منظر، حادثه‌ی کربلا یک جنایت و یک تراژدی است؛ یک مصیبت است، یک رثاء است. قهرمان حادثه در این نگاه یزیدبن معاویه است، عبدالله بن زیادست، عمر سعدست و یک عده دیگر. لذا وقتی صفحه‌ی سیاه این تاریخ را مطالعه میکنیم فقط جنایت و رثاء بشریت را میبینیم. پس اگر بخواهیم شعر بگوییم باید مرثیه بگوییم. باید بگوییم:

زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا
اما آیا تاریخچه‌ی عاشورا فقط همین یک صفحه است؟ اشتباه ما همین است. این تاریخچه یک صفحه‌ی دیگر هم دارد که قهرمان آن صفحه، حسین است. در آن صفحه، دیگر جنایت نیست، تراژدی نیست، بلکه حماسه است، افتخار و نورانیت است، تجلی حقیقت و انسانیت است، تجلی حق پرستی است»، (مطهری، ۱۳۸۳: ج ۲۳، ۱-۱۸).

«با شروع انقلاب اسلامی، کربلا بارزترین اسوه و الگوی مبارزه شد. شعارهای مفقود عاشورا که هرگز در سروده‌های شاعران سده‌های پیشین بکار گرفته نشده بود، در فرهنگ مبارزه و جهاد راه یافت و شعار و شعر آکنده از جملات و اشاراتی شد که ملهم از عاشورای حسینی بود. سربازانی که بفرمان امام خمینی (ره) پادگانها را رها کردند، «حر زمان» نامیده شدند. زنان «زینب زمان» خوانده میشدند و پلاکاردها و پرچمها بجملاتی چون: «ان لم یکن لکم دین و کنتم لاتخافون المعاد فکونوا احراراً فی دنیاکم» آراسته شدند. جمله‌ی مشهور «ان الحیوة عقیده و جهاد» و بیت مشهور خوشدل تهرانی:

بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است
آشناترین و رایجترین جملاتی بودند که چشم و دل را مینواختند»، (سنگری، ۱۳۸۰: ۳۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با فاصله‌ای اندک، نظام نوپای اسلامی با جنگ تحمیلی مواجه شد. با شروع جنگ، این رویکرد بحماسه‌ی عاشورا رنگ و رونق بیشتری یافت. امام خمینی (ره) بعنوان رهبر این جهاد مقدس، برای ملت یادآور امام حسین (ع) و حق طلبی و ظلم ستیزی آن حضرت بود. در شعر شاعران نیز نمادها با نمادهای عاشورایی پیوند خورد. نمونه‌های زیر شاهدهی بر این ادعاست:

این کیست که سیمای حسینی دارد
 از هاله‌ رویش رخ مهتاب خجل
 در کف، علم فتح حیننی دارد
 عشق است ولی نام خمینی دارد
 (شاعر: شهید قنبر زارع، نقل از: مردانی، ۱۳۷۷: ۳۲)
 این ثار حسین است نه مولود خمین
 این قصه ناب نا مکرر، حافظ!
 این یار محمد است و سردار حنین
 تکرار حسین است، حسین است، حسین
 (امین پور، ۱۳۶۳: ۲۳)

امروز، پیکار یزیدی و حسینی است
 در کربلای ما حسین ما خمینی است
 (شاعر: علی موسوی گرمارودی، شعر جنگ، ۱۳۶۲: ۱۹۸)

شعر جنگ از آنجا که با واقعیتی عینی در خارج مواجه بود، از نظر مضمون و محتوا، سرشار از روح حماسی است. دلاوریها، مقاومت و پایداری و فداکاری رزمندگان، حضور زن و مرد و پیر و جوان در عرصه نبرد، از جمله مسائلی بود که بسرعت بشعر راه یافت و از آن جا که این جنگ، برای همه مصداق کاملی از جنگ حق علیه باطل بود، مضامین اعتقادی و بویژه فرهنگ عاشورا جزء اصلی‌ترین درونمایه‌های شعر این دوره گردید. در این نبرد نابرابر که از جهات مختلف به حادثه عاشورا مشابهت داشت، همان تقدس و همان مظلومیت مشاهده میشد و دفاع از آرمان و عقیده، آن را به یک دفاع مقدس تبدیل میکرد. در شعر این دوره، علاوه بر مظلومیت و سوگ و مرثیه، که جزء جدا ناپذیر هر دو حادثه بود، روح حماسی و حماسه سرایی برجسته‌تر و پررنگ‌تر از پیش نمودار شد و شاعران با سلاح قلم، این روحیه را به رزمندگان و نیز مردم منتقل میکردند. تا آنجا که منجر به رواج قالبی در شعر فارسی بنام «غزل حماسی» گردید.

از میان مضامین مطرح شده در شعر دفاع مقدس، حماسه عاشورا بخش مهمی را بخود اختصاص داده و جلوه‌های حماسی این رویداد بزرگ تاریخی، به اشکال متنوع در شعر این دوره نمود یافته است که به اجمال به بررسی آن میپردازیم.

الف - حماسه امام حسین(ع)

۱- سازش نکردن با ستمگر: بعد از مرگ معاویه والی مدینه، ولیدبن عقبه، امام حسین(ع) را احضار کرد و بیعت با یزید را به وی پیشنهاد نمود. امام - علیه السلام - در این برخورد،

بعد از ذکر فضایل و کمالات خود و تذکر خصال زشت یزید فرمود: «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ: مثل من با مثل یزید بیعت نمی‌کند»، (ابن طاووس، ۱۳۷۸: ۲۴).

تجلی شکوهمند این روحیه عزت‌مداری و سازش نکردن با ظالم در زندگی و شخصیت امام حسین(ع)، در شعر دفاع مقدس نیز انعکاس یافته است:

چو شیر از پی رزم آماده‌ایم	ندانی که ما جمله آزاده‌ایم
گوازش همین خاک گلگون ماست	نگهبان این سرزمین خون ماست
کجا مینهد سر به حکم یزید؟	هر آن کو که راه حسینی گزید
<small>(شاعر: محمود شاهرخی، خامه خونین عشق، ۱۳۶۸، ۲۳۵)</small>	
وارسته ز قید سازش و ننگ شدیم	در جنگ چو با خصم بدآهنگ شدیم
«ما مثل حسین، وارد جنگ شدیم»	با خصم به کارزار و با خود به نبرد
<small>(صالحی، ۱۳۸۷: ۱۱)</small>	

۲- شهادت طلبی

روایت شده هنگامی که امام حسین(ع) خواست از مکه بجانب عراق حرکت کند برخاست و خطبه‌ای ایراد فرمود و پس از حمد خدا و صلوات بر رسول گرامی اسلام فرمود: «حُطَّ الْمَوْتُ عَلَى وُلْدِ آدَمَ مَخَطَّ الْقَلَادَةِ عَلَى جَبَدِ الْفِتَاةِ». (لوط بن یحیی، ۱۳۸۵: ۱۱۶)، مرگ برای آدمیان بسان گردن‌بند بر گردن دختر، زیننده و محتوم است. آنگاه پس از بیان جملاتی در آخر خطبه فرمود: «هرکس حاضرست خون خود را در راه ما نثار کند و خود را برای دیدار خدا مهیا ساخته، با ما حرکت کند که من بامدادان - بخواست خدا- حرکت میکنم»، (لوط بن یحیی ۱۳۸۵: ۱۱۷).

نگاه حماسی بمرگ و استقبال از شهادت همراه با روح وارستگی و رهایی از دنیا، در این جملات موج میزند. «امام حسین(ع) بمرگ در راه امر به معروف و نهی از منکر زینت بخشید، به این مرگ شکوه و جلال داد. از روز اولی که میخواهد بیرون بیاید سخن از مرگ زیبا میگوید. چقدر تعبیر زیباست! هر مرگی را نمیگفت زیبا، مرگ در راه حق و حقیقت را زیبا میدانست؛ چنین مرگی مانند یک گردن‌بند که برای زن زینت است، برای انسان زینت است»، (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۵۲).

این نگاه حماسی به مرگ و روحیه شهادت طلبی، در شعر دفاع مقدس، بسیار دیده میشود.

قصیده‌ای از حمید سبزواری با نام «مشهد نام آوران» که سرشار از روحیه حماسی است، اینگونه آغاز میشود:

تیغ برآرید تیغ، فرصت گفتار نیست / موسم رزم است، رزم، وقت دگر کار نیست
در ابیات بعد شاعر به بیان تفاوت میان مرگ در بستر با شهادت می‌پردازد. بیت زیر دقیقاً اشاره بگفته امام حسین(ع) دارد:

مرگ که در بستر است، مردن بی‌زیور است / مشهد نام آوران، بستر بیمار نیست
(سبزواری، ۱۳۷۳: ۶۷)

مرگ زیبا یا همان مرگ سرخ در سروده‌های شاعران دفاع مقدس نمونه‌های فراوانی دارد که بذکر یک نمونه دیگر بسنده میکنیم:

آنان که به مرگ سرخ لبخند زدند / پیمانه حق حسین مانند زدند
با جوشش خون و با سرود تکبیر / شب را به خجسته صبح پیوند زدند
(شاعر: ساعد باقری، سوره جنگ ششم، ۱۳۶۳: ۶۷)

۳- مرگ با عزت برتر از زندگی با ذلت

کاروان امام حسین(ع) در مسیر هجرت خویش بمنزل عذیب الیهجانات رسیده بود که قاصدانی از سوی کوفه بنزد آنان آمدند و خبر کشته شدن پیک امام(ع) - قیس بن مسهر صیداوی- را بایشان ابلاغ کردند. از سوی دیگر، حر بن یزید نیز در مقابل امام ایستاده و راه بازگشت را بر روی ایشان بسته بود و از امام میخواست تا تسلیم وی شود و بنزد عبیدالله بن زیاد برود. امام در چنین شرایطی و پس از شنیدن خبر شهادت قیس، در میان اصحاب خویش بپا خاست و خطبه‌ای ایراد فرمود که یکی از حماسیترین و کلیدیترین جملات آن اینست: «... أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ إِلَى الْبَاطِلِ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ، لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ مُحِقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»: آیا نمیبینید بحق عمل نمیشود و از باطل اجتناب نمیگردد؟ اینجاست که مؤمن باید در لقای پروردگار خویش مشتاق باشد که من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمکاران را جز رنج و عنا نمی‌بینم، (لوط بن یحیی، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

در این فریاد با شکوه، حماسه است که موج میزند. زندگی - مادامی که در محیطی ننگین باشد- جز رنج و نکبت به حساب نمی‌آید و مرگست که در این شرایط، سعادت را برای

مجاهد فی سبیل الله بهمراه می‌آورد. حسین آینه تمام نمای حق و حقیقتست و چگونه پایمال شدن حق، روح والای او را به تموج نیفکند و طوفان به پا نکند؟ صدای رسای امام(ع) پس از قرن‌ها به گوش جان شنیده شده بود و فرزندان که حسین(ع) را اسوه خویش قرار داده بودند، در امتداد قیام او مقابل ظلم و ستم حاکمان جائر تا پای جان ایستادند و مردانی این چنین را هرگز از مرگ هراسی نیست، زیرا در نظر آنان جان تا آنجا ارجمندست که حق، فدا نشده باشد و اکنون که نبرد میان حق و باطل در گرفته است، چه سعادت‌تری بهتر از مرگ؟ پرتوهای این حماسه را در سروده‌های شاعران انقلابی جنگ، بنظراره می‌نشینیم:

تا مشهد مردان خدا خون رنگ است با دشمن حق، شیوه مردان جنگ است
روزی که جواب ظالمان خاموشی است روزی است که زیستن، قرین ننگ است
(علی دوستی، ۱۳۶۸: ۱۰۷)

نمونه‌ای از ساعد باقری:

... سوخت اگر لب از عطش در ره عشق، مدتی زود بود که ترکند آب ظفر گلوی ما ...
پا به رهیم هر زمان، عاشق و «لا آری» زنان گرچه ز جور خونیان خون برود به جوی ما
(سوره جنگ ششم، ۱۳۶۸: ۱۰۳)

این غزل که روح امیدواری و مژده پیروزی در آن برجسته است، اشاره به جمله امام - علیه‌السلام- دارد. خصوصاً عبارت « لا آری» که مستقیماً از جمله امام برداشت شده است. اشاره به عطش نیز در بیت «سوخت اگر ...» خواننده را بسمت واقعه کربلا رهنمون میشود و یادآور عطش کاروان حسینی است. در این ابیات، آماده مبارزه بودن در هر شرایطی، حتی بقیمت این که در جویها بجای آب، خون جاری گردد، نشان ایستادگی، مقاومت و شهادت طلبیست.

از سوی دیگر، در تاریخ عاشورا میخوانیم: آن گاه که سیدالشهداء(ع) در مقابل سپاه عمر سعد قرار گرفت، خطبه‌ای ایراد فرمود که یکی از معروفترین جملات آن اینست:
«ألا وإن الدّعی ابن الدّعی قد ركزَ بین اثنتین، بین السّلةِ وَ الدّلةِ وَ هیهات مِنّا الدّلةُ : آگاه باشید که آن زنازاده پسر زنازاده، مرا بین دو چیز مخیر ساخته: شمشیر کشیدن یا خواری چشیدن؛ هیهات که ما تن بذلت دهیم»، (لوط بن یحیی، ۱۳۸۵: ۲۳۸).

این جمله که یکی از حماسی‌ترین جملات امام حسین(ع) بود بصورت یک عقیده درآمد و روح رشادت و دلاوری را در جامعه اسلامی و بتبع آن در سروده‌های شاعران دمید.

مهر در پیش مردان نام تسلیم که مردی از زیونی برکنار است
 ز ما هیهات منّا الذلّه بشنو که ما را از حسین این یادگار است
 (سبزواری، ۱۳۷۳: ۷۲)

پیکار علیه ظالمان پیشه ماست جان در ره دوست دادن اندیشه ماست
 هرگز ندهیم تن به ذلت، هرگز! در خون زلال کربلا ریشه ماست
 (سهرابی نژاد، ۱۳۶۹: ۵۳)

در این بخش جا دارد اشاره‌ای نیز به رجزخوانی حماسی امام حسین(ع) در روز عاشورا شود. «راوی میگوید: آنگاه حسین(ع) آن مردم را بمبارزه طلبید و هرکس به جنگ او میرفت، او را بقتل میرساند، تا این که عده زیادی از آنان را از دم تیغ گذراند و بهنگام کارزار این بیت را میخواند:

القتلُ أُولیٰ مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ وَالْعَارُ أُولیٰ مِنْ دُخُولِ النَّارِ
 مرگ بهتر از پذیرفتن ننگ است و پذیرفتن ننگ بهتر از قبول جهنم است»، (لوط بن یحیی، ۱۳۸۵: ۳۳۰).

این روحیه مردانگی و دلاوری و زیر بار ذلت و ننگ نرفتن حتی بقیمت از دست دادن جان خود و عزیزترین کسان، حماسه‌ای ماندگار در طول تاریخ از خود بجا گذاشته تا برای همیشه سرمشق انسانهای با ایمان و مجاهد گردد. تجلی این شعار حماسی در شعر دفاع مقدس نیز دیده میشود:

برآیید ای ستم سوزان عاشق که ما را با ستم افتاده کار است
 ملامتگویی را گولب فرو بند که مردن پیش ما بهتر ز عار است...
 (سبزواری، ۱۳۷۳: ۷۲)

گر عرصه زندگی به ما گردد تنگ ور غرقه خون شویم در عرصه جنگ
 یک نام به خون نوشته بر سینه سنگ بهتر ز هزار نام آلوده به ننگ
 (شاعر: محمد علی مردانی، بنقل از شاهرخی و کاشانی، ۱۳۶۷: ۲۹۲)

ب) حماسه یاران امام(ع) در کربلا

تجلی وفاداری، دلاوری و جان نثاری

«پایمردی و استقامتی که اصحاب امام حسین - علیه‌السلام - در حادثه عظیم عاشورا بخرج دادند و حماسه‌ای که در آن صحنه آفریدند دوست و دشمن را به شگفتی واداشت. به یکی از کسانی که در کربلا و در صف سربازان عمر سعد شرکت کرده بود، گفتند: وای بر شما! با پسر پیامبر جنگیدید و او را کشتید؟ گفت: چه می‌گویید؟ اگر شما نیز مشاهده می‌کردید آنچه را که ما مشاهده کردیم، همانند ما عمل می‌کردید. گروهی بر ما حمله کردند که مانند شیرهای خشمگین دست بقبضه شمشیر برده‌بودند، از چپ و راست سواران را میکوبیدند و خرد می‌کردند، خود را بدهان مرگ می‌انداختند، نه امان‌نامه قبول می‌کردند و نه رغبت بمال داشتند ... اگر بانها مهلت میدادیم از هر طرف بما حمله می‌کردند»، (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۲۷۰).

این روحیه حماسه‌آفرینی، شجاعت و دلاوری در تمام اصحاب عاشورایی ابا عبدالله الحسین(ع) دیده می‌شد. چه دلاور مردان بنی هاشم مانند ابوالفضل العباس و علی ابن الحسین - علیهم السلام - و چه در میان دیگر یاران امام مانند زهیر و حبیب و ... اینان همگی آگاهانه مرگ با عزت در کنار پسر رسول الله را بر زندگی ننگین ترجیح دادند. در تاریخ داریم که امام - علیه السلام - علاوه بر جمله‌ای که در آغاز حرکت خویش از مکه فرموده بودند - «مَنْ كَانَ فِينَا بَادِلًا مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلٰی لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ، فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصِيبًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى»: هر کس که آماده جانبازیست تا خون قلب خودش را در راه ما بریزد و تصمیم بملاقات حق گرفته است فردا صبح حرکت میکند که من رفته‌م»، (ابن طاووس، ۱۳۷۸: ۶۰) - بار دیگر در شب عاشورا بیعت خویش را از همه برداشتند و آنان را مختار گذاشتند برای ماندن یا رفتن:

«یاران! برداشت من از این دشمن نابکار اینست که فردا روز آخر ما خواهد بود؛ اینک همه شما از نظر من آزادید. هیچ تعهدی در برابر من ندارید. اکنون تاریکی شب شما را فراگرفته؛ از این تاریکی بسان شتر راهواری استفاده کنید و هر کدام از شما دست یکی از اهل بیت مرا بگیرید و در بخشها و شهرهایتان پراکنده شوید تا خدا گشایش فرماید، چرا

که این قوم تنها مرا میطلبند و اگر بر من دست یابند کاری بدیگران ندارند»، (لوط بن یحیی، ۱۳۸۵: ۲۰۳).

«در این موقع عباس ابن علی(ع) آغاز سخن نمود و پس از او دیگر خاندان و اصحاب اظهار وفاداری و استقامت تا پای جان نمودند. از جمله مسلم بن عوسجه برخاست و گفت: ... بخدا قسم هرگز چنین نخواهم کرد تا نیزه‌ام را در سینه‌های دشمنان بشکنم و تا دسته شمشیر در دستم استوارست، آنان را بشمشیر بزنم و هیچگاه از تو جدا نشوم و اگر هیچ اسلحه‌ای همراه نداشته باشم در پیش تو با سنگ بمبارزه با آنان برخیزم تا همراه تو بمیرم. زهیربن قین گفت: بخدا سوگند دوست دارم که کشته شوم و سپس زنده گردم و دوباره بقتل رسم تا هزار بار چنین شود و خداوند در مقابل، کشتن را از شما و این جوانان اهل بیت شما بازگرداند»، (همان: ۲۰۵).

در این شب، امام(ع) «برای اصحاب خود دعا کرد و به آنان فرمود: سر بلند کنید و بنگرید. سر بلندکردند و جایگاه خود را در بهشت نگریستند و آن حضرت میفرمود: ای فلان! این جایگاه توست»، (همان: ۲۰۷) ...

در ابیات زیر که بازتاب هنرمندانه حماسه عاشورایی و یادآور سخنان اصحاب امام حسین(ع) در شب عاشوراست، اگر چه اشاره مستقیمی بواقعه کربلا نشده است، اما فرهنگ عاشورا در آن موج میزند و مخاطب احساس میکند در شبکه ذهنی شاعر تصاویری از عاشورا حضور داشته که این مضامین را با آن فرهنگ کاملاً منطبق کرده است:

ای خصم مرا سر، سر جنگ است هنوز در چله خشم من خدنگ است هنوز
در ترکش اگر نمانده باشد تیری زنهار! مرا ناخن و چنگ است هنوز

(امین پور، ۱۳۶۳: ۵۹)

بیت دوم از رباعی فوق با مضمون سخنان مسلم آنجا که میگوید «و اگر هیچ اسلحه‌ای همراه نداشته باشم در پیش تو با سنگ بمبارزه با آنان برخیزم تا همراه تو بمیرم» کاملاً قابل انطباقست. نیز رباعی زیر، یادآور سخن مسلم بن عوسجه است که اظهارداشت: «بخدا قسم هرگز چنین نخواهم کرد تا نیزه‌ام را در سینه‌های دشمنان بشکنم».

در معرکه پای پایداری بگذار پا در گذر حادثه باری بگذار

هان! تیغ بکش برون و در سینه خصم
این تحفه به رسم یادگاری بگذار
(شاعر: سید حسن محمودی، سوره جنگ ششم، ۱۳۶۳: ۲۰۹)

و رباعی زیر که یادآور سخن زهیر است:
آن دم که به خون خود وضو می‌کردم
ای کاش مرا هزار جان بود به تن
دانی ز خدا چه آرزو می‌کردم؟
تا آن همه را فدای او می‌کردم
(شاعر: رمضان علی گلدون، نقل از: عبدالملکیان، ۱۳۶۸: ۱۳۱)

همچنین از علی بن الحسین (ع) روایت شده است که فرمود: «چون کار بر امام حسین (ع) سخت شد، اصحاب آن حضرت در وی نگریستند؛ دیدند که او و خواص یاران او هر چه کار دشوارتر میشد رنگ‌هایشان برافروخته‌تر و جوارحشان آرام‌تر و قلب‌هایشان مطمئن‌تر می‌گردید. پس بیکدیگر می‌گفتند: ببینید! هیچ اعتنایی بمرگ ندارد. در این موقع حسین (ع) بایشان فرمود: ای بزرگ زادگان! شکیبایی کنید که مرگ نیست مگر پلی که شما را از رنج و سختی به باغ‌های پهناور و نعمتهای جاودانی عبور می‌دهد، پس کدامیک از شما خوش ندارد از زندان بکاخ منتقل گردد»، (لوط بن یحیی، ۲۰۷: ۱۳۸۵).

در سروده زیر، شاعر در توصیف رزمندگان از جان گذشته دفاع مقدس، ضمن اشاره به سخن امام (ع) درباره مرگ، حماسه یاران امام (ع) را در شب عاشورا اینگونه بتصویر کشیده است:
در آبشار بلند شفق وضو کردند
نماز عشق به درگاه پاک او کردند
گذشتگان ز پل بی ثبات رود حیات
ز سیل سرکش خون کسب آبرو کردند
میان منظر انگشت پیر دانایی
نظر به عاقبت خویش مو به مو کردند
هزار بار به رخسار مرگ خندیدند
هزار بار دگر مرگ آرزو کردند
(گلمرادی، ۱۳۶۸: ۱۳۳)

طاهره صفارزاده در سروده‌ای با نام «پیشواز» ایستادگی و مقاومت رزمندگان را در جبهه با ایستادگی یاران امام حسین (ع) مقایسه کرده و آن را ادامه همان راه خوانده است. وی با الهام از این عبارت معروف زیارت عاشورا - انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم - میسراید:

«در سرزمین آبی جبهه

کسی به خویش نمی‌اندیشد

کسی به مرگ و مال نمی اندیشد
و ارتفاع صخره و کوه
به زیر پای دلیرانی است
کز ارتفاع عقیده
از ارتفاع ایمان میجنگند
از مرز جان چو میگذرند
پروازشان از خاک
سوی نور
از بطن آبی رگها
به سوی آبی بالاست
و حنجره های زخمی
زیر فشار ظلم ابر باطل ها
مدام میخوانند:
ما در محاربه هستیم
با هر که با حسین به جنگست
و در صلحیم

با هر که با حسین به صلحست»، (صفارزاده، ۱۳۶۶: ۳۵-۴۱).

یکی از کسانی که در شب عاشورا، روح حماسی اش، جملات او را در تاریخ ماندگار کرده است، قاسم بن الحسن (ع) است. در این شب پس از آن که امام حسین (ع) به اصحاب خویش مژده شهادت داد و فرمود: «یا قوم! فَإِنِّي عَدَا أَقْتُلُ وَتَقْتُلُونَ كُلُّكُمْ مَعِيَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ أَحَدٌ»: ای قوم! فردا من کشته خواهم شد و همه شما نیز به شهادت خواهید رسید و کسی از شما باقی نخواهد ماند، همه آنها گفتند: «الحمد لله. سپاس خدا را که ما را به یاری تو گرامی داشت و به کشته شدن با تو شرافت بخشید. یا ابن رسول الله آیا نمیسندی که با تو باشیم در درجه تو؟» آن حضرت فرمود: «خدا شما را جزای نیک دهد» و برای آنان دعای خیر فرمود. در این هنگام قاسم بن الحسن به امام (ع) عرض کرد: «آیا من هم جزو کشته شدگانم؟» امام (ع) دلش بر حال او سوخت و فرمود: «پسرکم! مرگ در نزد تو چگونه

است؟» گفت: «از غسل شیرین‌تر است.» فرمود: «آری بخدا سوگند تو هم یکی از مردانی هستی که با من کشته میشوند پس از تحمل سختیها و بلای عظیم»، (لوط بن یحیی، ۱۳۸۵: ۲۰۵)...

این جمله حضرت قاسم(ع) به صورت یک شعار حماسی در تاریخ ماندگار شده و سرمشق و شعار مبارزان و مجاهدان مسلمان قرار گرفته است. البته رشادت این نوجوان در صحنه عمل نیز بسیار دیدنی بود. او نشان داد که حقیقتاً مرگ در کام او شیرین‌تر از غسل است و برای رضای خدا آن را بجان می‌خرد و هیچ هراسی از آن ندارد. در وصف رشادت او گفته‌اند: «... او پیش میرفت و شمشیر میزد که ناگاه بند کفش چپ او پاره شد. پس قاسم ایستاد تا که بند کفشش را محکم کند. یعنی جمعیت فراوان سپاه دشمن جرأت پیش آمدن برای مبارزه را نداشت و قاسم آن هزار جنگنده را به حقیقت بی‌اعتنا مینگریست»، (آقاههرانی، ۱۳۸۵: ۲۶۹).

در دفاع مقدس نوجوانان شهید یادآور قاسم ابن الحسن(ع) بودند و در شعر دفاع مقدس نیز جلوه‌هایی از حضور این قهرمان حماسه‌ساز را میتوان دید:

... به استقامت سرباز سیزده ساله که راه برده به سرمنزل یقین سوگند
به قاسمی که بریده است دل ز دهر و شده است حسین عصر مرا ناصر و معین سوگند
نمی دهیم به روبه‌دلان صدامی زمام گوشه‌ای از سرزمین اسلامی
(خوش عمل، ۱۳۶۸: ۱۹۳)

در بسیاری از اشعار دفاع مقدس از شهادت به «شهد» تعبیر شده است که بی‌ارتباط با تعبیر «أحلی من العسل» نیست:

ای شهید عشق در غوغای عاشورای خون شهد شیرین لقای حق به کامت سرخ باد
(شاعر: شهید قنبر زارع نقل از: مردانی، ۱۳۷۷: ۱۷)

از دیگر مردان حماسی روز عاشورا، حبیب بن مظاهر از جمله پیرمردان دلاوریست که ظهر عاشورا بشهادت رسید. در وصف دلاوری او گفته‌اند: «هرگاه حبیب را مبارزی بچنگ دعوت میکرد او بسادگی اجابت میکرد. این روحیه نشانگر شجاعت و نیز از خودگذشتگی آن مجاهد بزرگ در راه احیای دین خداست»، (آقا تهران، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

حبیب است این باز جولان گرفته نفس از میاندار میدان گرفته

به دیدار خورشید با یک جهان شوق
عسل می‌تراود ز شمشیرها باز
فضا را صف عاشقان مهاجر
در انشاء هستی دهان قلم را

به بارانی از نیزه دامان گرفته
کدام آتش است این که غلیان گرفته
در آواز جان سوز قرآن گرفته...
شط عطر خون شهیدان گرفته

(زیادی، ۱۳۶۷: ۲۲)

فضایی حماسی و عاشورایی بر غزل فوق حاکمست. خصوصاً عبارت «باران نیزه» یادآور نماز ظهر امام حسین (ع) است که در زیر بارش تیر اقامه شد و حبیب هم در همین جریان شهادت رسید. بیت سوم نیز اشارهٔ زیبایی بکلام معروف قاسم بن الحسن (ع) دارد. در سه بیت پایانی، شادی پیروزی و امید وصل موج میزند همچنان که در واقعهٔ عاشورا، حماسه‌ها به پیروزی حقیقی بدل گشت.

به شوق بهاران، به شوق رهایی
جهان را تب وصل جانان گرفته
زمین سبز خواهد شد از نور، ای یار
چنین کز لب صبح، باران گرفته

(زیادی، ۱۳۶۷: ۲۲)

در میان یاران دیگر امام (ع) حربین یزید ریاحی نیز از کسانست که نام او بعنوان الگوی تحول مثبت، غلبه بر نفس و ایستادگی در برابر لشکر ظلم، در شعر دفاع مقدس، دیده میشود:

آخر از این قفس بسته برون خواهم شد
تشنه لب بر لب دریای فنا خواهم رفت
بکشیدند اگر بهر حسینم لشکر
همچو سردار به ره آمده کرب و بلا

خارج از رخوت غمبار سکون خواهم شد
ساقی بادهٔ آلوده به خون خواهم شد
حر صفت، سد ره دشمن دون خواهم شد
چیره بر وسوسهٔ نفس درون خواهم شد

(شاعر: شهید ناصر چهار لنگ، نقل از: مردانی، ۱۳۷۷: ۲۴۵)

ج- زینب(س) اسطورهٔ پایداری و مبارزه در عین مظلومیت

پیش از این گفتیم که در گذشته، نگاه به حماسهٔ عاشورا، بنا به دلایل مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، غالباً نگاهی عاطفی و از سر دلسوزی بود نه حماسی و انقلابی. «شعر شیعی در اکثر اوقات مخصوصاً پیش از انقلاب راه را بر اشک بی‌معرفت می‌گشود که پس از گریستن نمیدانستی چرا اشک ریخته‌ای اما در شعر عاشورایی پس از انقلاب، ابوالفضل، راز رشیدی است که تکه تکه افشا میشود»، (کافی، ۱۳۸۱: ۱۵۸).

در مواردی شاعران، خود به بینش پیشین اشاره و اعتراض میکنند:
این زن که ایستاده سراپا کیست؟ این زن که روح سرکش ایمانست
چشمش گلوی ابری اقیانوس، دستش کلید خیزش طوفانست
بر ریگهای پر عطش ساحل، این زن که ایستاده چو دریا کیست؟
این زن نگو که دختر اقیانوس، این زن نگو که خواهر طوفانست
ای تیغ تیز و سرخ علی در کام! بر ما ببخش چون که فقط خواندیم:
زینب غریب و مضطر و محزونست، زینب غمین و زار و پریشانست
(شاعر: خلیل ذکاوت، نقل از: کافی، ۱۳۸۱: ۱۵۸)

«صبر و بردباری، شجاعت، ایستادگی و مقاومت، مدیریت بحران و عظمت شخصیت
حضرت زینب(س) مثال زدنی و کم نظیرست. زنی که بجز شخصیت و ایمان و روح
معنوی، همه چیز خود را از دست داده، در کوفه با سخنان کوبنده و افشاگرانه خود انقلاب
بپا میکند و در کاخ یزید حماسه می‌آفریند»، (ابن طاووس، ۱۳۸۷: ۱۷۳).

بازتاب این رفتار حماسی، این صبر و شکوه شجاعانه و انقلابی، در مادران و همسران
شهدای دفاع مقدس تجلی یافته و در شعر نیز سهمی از حماسه را بخود اختصاص داده است:
با زمزمه سرود یارب رفتند چون تیر شهاب، در دل شب رفتند
تا زنده شود رسالت خون حسین با نام شکوهمند زینب رفتند
(حسینی، ۱۳۸۶: ۱۴۷)

...زینب دوران! به صبرت پشت دشمن را شکستی

بر سر نعش برادر با برادر چون نشستی

رشته پیوند خود با هر چه جز مهرش گسستی

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ (مردانی، ۱۳۷۷: ۲۱۵) (شهید مجید حداد عادل)

...تویی ای زن! زبان عاشورا زینب کاروان عاشورا

تو پیام آور شهیدانی حرمت عشق را تو می دانی...

باغ دین در پناه یاری توست عشق مدیون بردباری توست

(وحیدی، ۱۳۸۱: ۶۱-۵۷)

نتیجه :

شعر دفاع مقدس که فصلی جدید در تاریخ ادبیات ایران محسوب میشود، بصورتی برجسته و قابل توجه، انعکاس دهنده حماسه عاشوراست. در سروده‌های دفاع مقدس، استفاده از نمادهای حماسی عاشورا، بسیار دیده میشود؛ نمادهایی مانند امام حسین(ع) مظهر حق طلبی، سازش ناپذیری در برابر ظلم و شهادت طلبی، یزید نماد ظلم، و حضرت زینب(س) نماد صبر و مقاومت زن در طول تاریخ از این قبیلت. همچنین برای الگوپذیری از قیام امام حسین(ع) و واقعه عاشورا، استفاده از وقایع کربلا و جملات کوبنده و حق طلبانه امام حسین(ع) را در اشعار دفاع مقدس بصورت مستقیم یا غیر مستقیم، بسیار میتوان دید.

فهرست منابع:

- ۱- ابن طاووس ، سید(۱۳۸۷)، لهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه محمدرضا مجیری، چاپ اول، قم: انتشارات بقیه الله.
- ۲- آقانهانی ، مرتضی (۱۳۸۵)، یاران شیدای حسین بن علی (علیهماالسلام)، چاپ سوم، قم: نشر باقیات.
- ۳- امین پور ، قیصر (۱۳۶۳)، در کوچه آفتاب ، چاپ اول، تهران : انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۴- جوادی آملی ، عبدالله (۱۳۸۳)، حماسه و عرفان، چاپ چهارم ، قم : مرکز نشر اسراء.
- ۵- حسن‌لی ، کاووس و کافی غلامرضا (زمستان ۸۵ و بهار ۸۶)، «تاریخچه شعر عاشورایی از اول قرن چهارم تا پایان قرن نهم»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا(س)، سال شانزدهم و هفدهم، شماره ۶۱ و ۶۲ صص ۳۱ تا ۶۹ .
- ۶- حسینی ، سید حسن (۱۳۸۶)، همصدا با حلق اسماعیل، چاپ سوم ، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- ۷- خوش عمل ، عباس (۱۳۶۸)، در پگاه ترنم ، چاپ اول ، تهران : انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۸- زیادی ، عزیزالله (۱۳۶۷)، مشق نور، چاپ اول، تهران: انتشارات برگ.
- ۹- سبزواری ، حمید (۱۳۷۳)، کاروان سپیده، چاپ اول ، تهران : انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.

- ۱۰- سنگری ، محمدرضا (۱۳۸۰)، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، چاپ اول، تهران: انتشارات پالیزان.
- ۱۱- سهرابی‌نژاد ، محمدرضا (۱۳۶۹)، اشارات اشک ، چاپ اول، تهران : انتشارات برگ.
- ۱۲- شاهرخی ، محمود و مشفق کاشانی ، عباس (۱۳۶۷)، مجموعه شعر جنگ، چاپ اول، تهران : انتشارات امیرکبیر.
- ۱۳- صالحی ، بهمن (۱۳۸۷)، خنجر و گل سرخ ، چاپ اول، تهران: انتشارات فصل پنجم.
- ۱۴- صفارزاده ، طاهره (۱۳۶۶)، دیدار صبح ، چاپ اول، شیراز : انتشارات نوید شیراز.
- ۱۵- عبدالملکیان ، محمدرضا (۱۳۶۸)، رباعی امروز، چاپ دوم ، تهران: انتشارات برگ.
- ۱۶- علی دوستی، همایون (۱۳۶۸)، اشک فانوس، چاپ اول، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۷- کافی، غلامرضا (۱۳۸۱)، دستی بر آتش، چاپ اول، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- ۱۸- گلمرادی ، شیرینعلی (۱۳۶۸)، دهستانی ، چاپ اول ، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۹- لوط‌بن یحیی ، ابومخنف (۱۳۸۵)، مقتل الحسین (ع) ابومخنف (وقعة‌الطف)، ترجمه علی محمد موسوی جزایری، چاپ اول ، قم: انتشارات امام‌المنتظر.
- ۲۰- مردانی ، نصرالله (۱۳۷۷)، شهیدان شاعر، چاپ اول، تهران : نشر شاهد.
- ۲۱- مطهری ، مرتضی (۱۳۸۳)، حماسه حسینی، چاپ چهل و پنجم ، تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۲- مؤلف نامعلوم (۱۳۶۸)، خامه خونین عشق، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۳- مؤلف نامعلوم (۱۳۶۳)، سوره جنگ ششم ، چاپ اول، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۲۴- مؤلف نامعلوم (۱۳۶۲)، شعر جنگ، چاپ اول ، تهران : وزارت ارشاد اسلامی.
- ۲۵- وحیدی ، سیمین دخت (۱۳۸۱)، هشت فصل سرخ و سبز، چاپ اول، تهران : انتشارات برگ زیتون.